

## تصور ریاست اسلامی از دیدگاه اقبال

محمد آصف رضا\*

### چکیده:

اسلام تنها یک مذهب نیست بلکه یک دین کامل و یک نظام زندگی بشری است. اساس نامه حکومت مسلمانان آن است که از قرآن و حدیث نبوی (ص) و اجماع و اجتهاد برگرفته شده باشد. نظریه اسلامی محمد اقبال در سطح بین المللی قابل توجه است و طبق تقاضای عصر همان نظریه قرآنی است که نظریه حکومت اسلامی ایشان علاوه از قالب نثر در صورت شعر در زبان اردو و فارسی به طور جذاب بیان شده است. حکومت اسلامی مظهر عظمت انسان است و عاری از دیکتاتوری و نظام پادشاهی است و پاک از نظام سرمایه داری است و حامل برکات در ارض الله است. احادیث نبوی، سنت و عملکرد پیامبر گرامی تفصیل قرآن را بیان می دارد و این مأخوذ قانون اسلامی است. میثاق مدینه هم در واقع قانون اسلامی اساسی پیامبر (ص) را تدوین نموده است. حکومت اسلامی هنگام تدوین قانون از آن الگو می گیرد. مأخذ مهم قانون اسلامی را اجماع می گویند یعنی نمونه های عملی اصحاب، تابعین و اسلاف و علما. پس از آن قیاس است که آن را اجتهاد می نامند و آن را در هر زمان مسلمانان با همت و صاحب نظران باید انجام دهند.

واژه های کلیدی: ریاست اسلامی، علامه اقبال، اجماع، اجتهاد، میثاق اسلامی.

---

\* دانشجوی دکتری، دانشگاه ملی زبان های نوین اسلام آباد

**مقدمه:**

اسلام نه فقط يك مذهب است بلکه يك دين كامل و يك نظام زندگي بشري است. در اين تعريف و ایده ي جامع اسلام سياست هم شامل مي باشد. حرف اساسي اين است که انسان هيچ وقت با نظام سکولار و يا با سياست نمی تواند سازش کند. اساس نامه حکومت مسلمانان آن است که مأخوذ و برگرفته از قرآن و احاديث نبوي(ص) و اجماع و قياس (اجتهاد) شده باشد. قرآن مجيد آهايي را که غير از دستورات قرآن نظام حکومت را اجرا مي کنند فاسق، ظالم و کافر قرار مي دهد.

علامه اقبال از بنیان گذاران ریاست است لیکن نظریه ریاست اسلامي وي هم در سطح بين المللي قابل توجه است. نظریه حکومت اسلامي علامه اقبال طبق اقتضای زمان همان نظریه قرآني است که نظریه حکومت اسلامي ایشان علاوه از قالب نثر در صورت شعري در زبان اردو و فارسي به طور جذاب بیان شده است.

در پیرامون حکومت اسلامي او يك مقاله اي ظاهراً در دوران تحصیل در اروپا نوشته است. اين مقاله تحت عنوان ” نظریه سياسي اسلام ” در مجله سه ماهي انگليسي ” و سيولوجيکل ریویو ” در شماره جولائي ۱۹۰۸ م چاپ شده بود و تحت عنوان ” خلافت اسلاميه ” در زبان اردو ترجمه و چاپ شده است. در اين مقاله اقبال در مورد خلافت اسلاميه معاصر حواله داده است. برخي معاملات حاکمان مسلمانان سسلی و اندلس و خلفاء بني عباس را ذکر نموده است.

علامه اقبال، امام غزالي، امام بیضاوي، طرطوسي اندلسي، ابن جمع مصري، امام شهرستاني، و ابن خلدون و نکته نظرات شيعي و خوارج را در مورد حکومت اسلامي به طور اجمال ذکر نموده است. لیکن گرایش ایشان بیشتر به بحث سياسي المارودي بصري (متوفي ۴۵۹ هـ ش) بوده است.

امام المارودی پیرو مسلک شافعی بوده و مصنف چندین کتاب می باشد همچون کتاب ”سیاسة الملوك“ ”تواین الوزرا“ و آداب الدنیا، والدین، و کتاب الحاوی کتاب مهم او کتاب ”الاحکام السلطانیة“ است که آن را علامه اقبال پیش نظر داشته است.

اسلام به طور يك حیات اخلاقی و سیاسی تصور، (انگلیسی) عنوان مقاله دیگر اقبال است که در شماره ”هندوستان ریویو“ در سال ۱۹۰۹م چاپ شده است. در قسمت دوم این مقاله اقبال ویژگی های جامعه اسلامی را بیان نموده و مضرات لادینی که عاری از اخلاق و نیکوکاری می باشد را هم توضیح داده است. در سال ۱۹۱۰م علامه اقبال در علی گره تحت عنوان ”امت اسلامی“ يك مطالعه عمرانی، يك خطبه مهم ایراد نموده که آن به طور اختصار در گزارش آماربندی مردم سال ۱۹۱۱م هم منعکس شده است. ترجمه اردوی آن ”ملت بیضا پر ایک عمرانی نظر“ متداول شد. این خطبه هم بیانگر خواسته های مسلمانان برای شناخت جداگانه می باشد و جنبه مهم این شناخت تشکیل يك ریاست و کشور جداگانه برای مسلمانان می باشد. علاوه بر بیانات و سخنرانی ها نگارشات، تصور تشکیل ریاست اسلامی جداگانه برای مسلمان را در تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۳۰م در خطبه اله آباد، در خطبه رئیس مسلم کانفرنس در لاهور، در تاریخ ۲۱ مارس ۱۹۳۲م و در نامه که در سال ۱۹۳۷ برای بنیانگذار پاکستان قاید اعظم محمد علی جناح نوشته بود بیان شده است.

علاوه بر آن مقاله هم حائز اهمیت است که آن تحت عنوان ”مسلمانان و مرزهای جغرافیائی“ نوشته ای است البته در مورد نظریه و تصور ریاست اسلامی جداگانه در شبه قاره علاوه بر خود اقبال مضامین و مقالات نوشته است و بیش از آن می توان مقالات و کتاب ها را در رشته تحریر در آورد. لیکن اشعار فارسی زیر بیان گر نکته نظرات و خواسته های اجمالی وی را می رساند.

بنده حق بی نیاز از هر مقام	نی غلام او را نه او کس را غلام
بنده حق مرد آزاد است و بس	ملک و آئینش خداداد است و بس
رسم و راه و دین و آئینش ز حق	زشت و خوب و تلخ و نوشینش ز حق
عقل خود بین غافل از بهبود غیر	سود خود بیند نیند سود غیر
وحي حق بیننده سود همه	در نگاهش سود و بهبود همه

(اقبال، جاوید نامه، ۷۸: ۱۹۷۰م)

تصور حکومت اسلامی مورد نظر اقبال در چندین جا در کتاب های اقبال بیان شده است. ما می توانیم از ویژه گی های مهم ترش را فهرست وار اینجا ذکر می کنیم؛

۱. قوانین اسلامی و اجرای عملی آن
  ۲. ابراز حاکمیت مطلق خداوندی
  ۳. نشر عقاید اساسی اسلام همچون، توحید و ختم رسالت به طور رسمی
  ۴. برقراری اخوت اسلامی، برابر عدل و انصاف در جامعه اسلامی
  ۵. حفظ حقوق اقلیت های مذهبی تا که ثابت شود که مسلمان خدمت گذار پیروان قوانین الهی و خدمت گذار انسانیت می باشد.
  ۶. تعامل نظام شورایی و جمهوریت معنوی- اقبال مخالف نظام دموکراسی غربی و همه جنبه های نظام اشتراکیت بوده است.
  ۷. حکومت اسلامی مظهر عظمت انسان است و عاری از دیکتاتوری و نظام پادشاهی و پاک از نظام سرمایه داری و حامل برکات در ارض الله می باشد.
- ابلیس در مجلس شورایی خود ویژگی های اسلام را این چنین بیان می کند-

الحذر آئین پیغمبر (ص) سے سو بار الحذر      حافظ ناموس زن، مرد آزما، مرد آفریں  
 موت کا پیغام ہر نوع غلامی کے لیے      نے کوئی فنفور و خاقان، نے فقیر رہ نہیں  
 کرتا ہے دولت کو ہر آلودگی سے پاک و صاف      ممنعموں کو مال و دولت کا بناتا ہے ایشیں  
 اس سے بڑھ کر اور کیا فکر و عمل کا انقلاب      پادشاہوں کی نہیں، اللہ کی ہے یہ زمیں  
 (اقبال، ارمغان حجاز، ۲۲۵: ۱۹۶۳ م)

برای عملی ساختن تصور حکومت اسلامی قانون اساسی حیثیت اساسی و حیاتی را دارد. قانون اساسی همواره برای مسلمانان در شکل قرآن مجید موجود است. تشریحات کہ قرآن کریم در زبان شعر علامہ اقبال ارائه نموده و در پیرامون ابدیت و جامعیت قرآن کریم علامہ اقبال در قالب شعر بیان نموده در ادبیات معاصر اسلامی کم نظیر است.

از يك آئینی مسلمان زنده است      بیکر ملت ز قرآن زنده است  
 ما همه خاک و دل آگاہ اوست      اعتصامش کن کہ جبل اللہ اوست  
 (اقبال، رموز بیخودی، ۱۹۴۰: ۱۲ م)  
 صد جہان تازه در آیات اوست      عصرها پیچیدہ در آناں اوست  
 يك جہانش عصر حاضر را بس است      گیر اگر در سینہ دل معنی رس است  
 بندۂ مومن ز آیات خدا ست      ہر جہان اندر بر او چون قباست  
 چون کھن گردد جہانی در برش      می دہد قرآن جہانی دیگرش  
 (اقبال، جاوید نامہ، ۱۹۷۰ م: ۷۲)

جای دیگر چنین می گوید:

دستگیر بنده بی ساز و برگ	چیست قرآن؟ خواجه را پیغام مرگ
نقش های پاپ و کاهن را شکست	نقش قرآن تا درین عالم نشست
این کتابی نیست چیزی دیگر است	فاش گویم آنچه در دل مضمحل است
جان چو دیگر شد همان دیگر شود	چون به جان در رفت جان دیگر شود
زنده و پاینده و گویاست این	مثل حق پنهان و هم پیداست این
سرعت اندیشه پیدا کن چو برق	اندرو تقدیر های غرب و شرق

(اقبال، ارمغان حجاز، ۹۱-۱۹۷۰: ۹۸م)

احادیث نبوی، سنت و عمل کرد پیامبر گرامی تفصیل قرآن را بیان می دارد. و این ماخذ دوم قانون اساسی اسلامی است علاوه بر این میثاق مدینه هم در واقع قانون اساسی اسلامی پیامبر اکرم (ص) را تدوین نموده است. حکومت اسلامی در هنگام تدوین قانون از آن الگو می گیرد. سومین ماخذ تدوین قانون اسلامی را اجماع می گویند. یعنی نمونه های عملی اصحاب، تابعین و اسلاف و علما. اصل چهارم "قیاس" یا به آن اجتهاد می گویند که آن را در هر زمان مسلمانان باهمت و صاحب نظران باید انجام بدهند.

اقبال در دوران زوال به مسلمانان ها تأکید و توصیه می کرد به جای اجتهاد به اجماع تقلید بنمایند. لیکن در حکومت اسلامی فعالیت های اجتهاد و اجماع ناگزیر است. اگر این کار را ارباب حل و عقد انجام بدهند در این صورت این کار کار حکومت اسلامی تلقی خواهد شد.

اقبال در کتاب شهرت یافته جهانی خود "سات خطبات تشکیل جدید الهیات اسلامی، خطبه ششم متعلق به موضوع الاجتهاد فی الاسلام" می باشد زمانی که مجلس ملی ترکیه در سال ۱۹۲۴م قطعنامه پایان دوره

سلطنت عثمانیه و تشکیل دموکراسی جدید تصویب نمود آن را اقبال با قرار دادن اجتهاد ضرورت وقت مورد ستایش قرار داد. چکیده آن بشرح زیر است:

“بیاید بینیم که آنجا که متعلق به خلافت است. مجلس ملی حق اجتهاد را چگونه انجام داده است. طبق نکته نظر اهل سنت منصب امام یا خلیفه يك امر واجب است و در این مورد نخستین پرسش این است که آیا منصب خلافت منحصر به يك فرد واحد است. اجتهاد ترك ها این است که طبق تعلیمات اسلامی مسئولیت این منصب را می شود به يك جماعت و یا يك مجلس منتخب شده سپرد. اما از آنجایی که اطلاع دارم علمای هند و مصر در این مورد هیچگونه رأی را ابراز نموده اند. لیکن رای شخصی من این است که این نکته نظر ترك ها کاملاً درست است و تا این حد درست است که برای تأیید آن احتیاج به ارائه هیچگونه دلیلی ندارد به این جهت که طرز حکومت دموکراسی مطابق با عین روح اسلام است. دوم اینکه اگر آن قدرت هایی که روی جهان اسلام فعالیت می کنند بخاطر آن این طرز حکومت ناگزیر تر است. بهر حال برای درک و فهم نکته نظرات ترك ها لازم است به ابن خلدون نخستین مورخ فلسفی جهان اسلام رجوع کنیم. ابن خلدون در کتاب شهرت یافته جهانی “مقدمه” پیرامون خلافت اسلامی ۳ نکته نظر را ارائه نموده است.

(الف) اینکه خلافت يك امر شرعی است واجب است که تشکیل یابد.

(ب) دوم اینکه این مربوط و متعلق به ضرورت و مصلحت می باشد.

(ج) سوم اینکه اصلاً ضرورتی به خلافت ندارد.

نظریه آخر نظریه خوارج است. لیکن معلوم می شود. گرایش ترك های جدید با دومی موافق به نظر می رسد.

در این مورد ترك ها با نظریه معتزله هم فکر می باشند نظر آنها این است که خلافت جهانی متعلق به اقتضای زمان و مصلحت می باشد. ترك ها می گویند که در مورد تفکر سیاسی لازم است از تجربیات سیاسی گذشته

عبرت بگیرند

حرف قطعی در این مورد اینست که تصور خلافت جهانی عملاً هیچ وقت موفق نشد ما می توانیم از خود ما پرسیم که ما از افکار سیاسی گذشته چرا مستفید نشویم. آیا این درست نبود وقتی قاضی ابوبکر باقلانی احوال و ظروف زمان خودش را که شرط قریشی بودن خلیفه را ضروری ندانست؛ باقلانی می گوید که اینکه در دست قریش قدرتی ندارد در این صورت غیر از این چاره ای نیست که دید هر جا کسی را با قدرت آن را امام تسلیم بنمایید؛ یعنی ابن خلدون هم از واقعات عاجز آمده و چنین نظریه را قایل شد که البته اسلام بین المللی علی رغم اینکه روی آن غبار نشست لیکن آن را نخستین تصور باور کرد که اینکه به حقیقت نزدیک دارند می شوند. همچون روشنی را ترك ها پیش گرفتند آن را طبق تجربیات به دست آمده اختیار نمودند و در این زمینه به استدلال متکلمانه فقها اعتنایی نکردند.

زندگی و طرز تفکر آنها با چنان وضعیت و کیفیتی جور در آمده بود که از زمان ما یکسره تفاوت داشت رأی خودم همچنین است که اگر دلایل را کاملاً بفهمند خواهند فهمید که ذهن ما به طرف يك هدف بین المللی در حال حرکت است که این تحرك خواسته نهایی اسلام است که گویا آن را در آغازین پادشاهان عرب نه فقط پشت پرده گذاشتند بلکه پس پشت گذاشته بودند.

در واقع دلائل فقط برای آنها است که از خواب قدامت پرستی بیدار شده و نعمت شعور ذات به دست آورده اند. نه فقط ترك ها که خواستار حق آزادی زهني شدند که از جهان خیال یا به عالم حقیقت گذشته اند. لیکن آن چنان است که برای آن انسان باید از کشاکش زهني و فکري بگذرد. لیکن این يك امر فطري بود که پیچیدگی های وسعت پذیری روزافزون در زندگی با اوضاع جدید و با نکته نظرات متفاوت مواجه می شود و ناچار برای بازسازی و بازبانی آن قوانین می شود و آن به چنین ملتی که از لذت وسعت های معنوي محروم است بیش از يك بحث خشك و خالی از اهمیت ندارند. این شاید آقاي "هابس Hobbes" فیلسوف انگلیس بود که او بنیاد حرف حسابی گفته است. "منظور از تسلسل يك نوع تفکر و احساس غیر از اینست



که ما هیچ گونه تفکر و احساس نداریم. زیرا در کشورهای اسلامی می بینند که این قول حرف به حرف بر آن مصداق پیدا می کند که در آن ارزش های گذشتگان تکرار می شوند.

بعینه که از دیروز باهم راه می رفتند البته ترك ها دارند ارزش های نوینی را می آفرینند آنها و تجربیات بزرگ را پشت سر می گذارند و همین تجربیات باعث شد که هیئت درونی خودشان را کشف بکنند در زندگی آنها تحرك ایجاد شد. آنها خودشان را تغییر می دهند وسعت پیدا می کنند. اینها نتیجه آرمانهای جدید و مشکلات تازه است لیکن آنها را حل این مشکلات و آرمان ها را هم یاد می دهند و لذا امروز ترك ها در مسائل و مشکلات درگیر هستند. فردا کشورهای اسلامی باز با همان مشکلات درگیر خواهند شد. و لذا این سوال پیش می آید که آیا در قوانین اسلام بیش از این گنجایش رشد و نمو و ارتقا وجود دارد یا خیر؟

لیکن در پاسخ این سوال ما باید حمد و تلاش قابل ملاحظه ای را خرج بدهیم البته رأی شخصی من اینست که یقین دارم می توان پاسخ این سوال را در اثبات داد. بشرط اینکه ما در این مسئله همان روح را حفظ کنیم که اظهار آن گاهی در ذات عمر (رض) بود او نخستین قلب و دماغ امت اسلام است. که در هر معامله برای آزادی رأی انتقاد می کرد و هر معامله را با آزادی رأی و تنقید پیش می گرفت وی آن چنان جرأت اخلاقی داشت که در حالت نزع پیامبر گرامی (ص) تا این حد گفت که برای ما کتاب خدا کافیسست (نیازی، تشکیل جدید الهیات اسلامی، (۱۳۶-۱۳۷-۱۳۳-۱۳۲-۲۰۱۲:۱۳۱م)

علی رغم اینکه اقبال تلاش های اجتهادی ترك ها را مورد ستایش قرار می دهد لیکن در دیگر آثار شعری و نثری و خطبه ها از ترك ها شدیداً انتقاد هم می کنند.

زیرا ترك ها سیاست سکولار و لادینیت را اختیار نمودند و بیش از نوآوری مبتلا به تجدد پرستی شدند و دل داده تقلید فرنگ شدند.

اقبال می‌فرماید؛ که حامل «کتاب زنده» قرآن نمی‌تواند مقلد ملت دیگری قرار بگیرد. در قانون زندگی قرآن استعدادها و ظرفیت‌های تجدیدی جاودانی دارد.

ترك را آهنگ نو در چنگ نیست	تازه اش جز کهنه افرنگ نیست
سینه او را دمی دیگر نبود	در ضمیرش عالمی دیگر نبود
لاجرم با عالم موجود ساخت	مثل موم از سوز این عالم گداخت
زنده دل خلاق اعصار و دهور	جانش از تقلید گردد بی حضور
چون مسلمانان اگر داری جگر	در ضمیر خویش و در قرآن نگر
صد جهان تازه در آیات اوست	عصرها پیچیده در آفات اوست
یک جهانش عصر حاضر را بس است	گیر اگر در سینه دل معنی رس است
بنده ی مؤمن ز آیات خداست	هر جهان اندر بر او چون قباست
چون کهن گردد جهانی در برش	می دهد قرآن جهانی دیگرش

(اقبال، جاوید نامه، ۷۲-۷۳: ۱۹۷۰م)

### وظایف ریاست اسلامی

وظایف ریاست اسلامی من جمله در منابع پیامبر گرامی (ص) و قانون اساسی نبوی که به آن «میثاق مدینه» گفته می‌شود مشهود می‌باشد. در این وظایف علاوه بر دفاع و روابط بین المللی ارتباطات مردمی و حفظ و حراست و نظارت بر آنها هم شامل می‌باشد. علامه اقبال در سال ۱۹۳۰م خطبه‌ای بصیرت آفریزی پیرامون

حکومت اسلامی ایراد فرمود که در آن در مورد وظایف کشور اسلامی کاملاً اشاره شده است برخی موارد به شکل پیشرفته تری در خطبه ۲۱ مارس ۱۹۳۲م در لاهور مذکور می باشد. علاوه بر این نشر و اشاعت توحید، ختم رسالت، حاکمیت الهی و این چنین معارف اسلامی هم جزء وظایف کشور اسلامی می باشد. اقبال علاقه بیشتر نسبت به بیان "توحید" داشت.

او در موضوع "توحید" یا "لا اله الا الله" آقدر نوشته است که او را بر ملا توحید آموز مفکر و شاعر می توان گفت.

ادعای اقبال اینست کشور اسلامی همانطوریکه مکلف به امر به معروف و نهی عن المنکر یعنی اجرای نظام بازرسی را دارد. مکلف نشر و اشاعت توحید هم است پس توحید آموزی نه فقط جزء مواد درسی اسلام شناسی و دین شناسی و غیره است بلکه برای اقشار مردم مسلمان دانستن آن ضروریست خالق و ناظم و مدیریت کارخانه عالم الله است و فقط الله درکنار مثنوی رموز بی خودی حضرت علامه می فرماید:

قطه ای ادوار عالم لا اله	انتهای کار عالم لا اله
چرخ را از زور او گردندگی	مهر را پایندگی رخسندگی
بجر گوهر آفرید از تاب او	موج در دریا تپید از تاب او
خاک از موج نسیمش گل شود	مشت پر از سوز او بلبل شود
شعله در رگ های تاک از سوز او	خاک مینا تابناک از سوز او
زانکه در تکبیر راز بود تست	حفظ و نشر لا اله مقصود تست

تا نخیزد بانگ حق از علمی      گر مسلمانان نیاسایی دبی  
می ندانی آیه ی ام الكتاب      امت عادل ترا آمد خطاب  
آب و تاب چهره ی ایام تو      در جهان شاهد علی الاقوام تو  
جلوه در تاریکی ایام کن      آنچه بر تو کامل آمد عام کن  
لرزم از شرم تو چون روز شمار      پرسدت آن آبروی روزگار  
حرف حق از حضرت ما برده بی      پس چرا با دیگران نسپرد بی

(همان، اسرار و رموز، ۱۶۱-۱۹۶۹: ۱۶۴م)

کشور اسلامی در واقع يك کشور رفاه مردمی است کشور رفاه نه فقط مایحتاج اولیه انسان را فراهم می کند بلکه مکلف به هم رساندن سهولیات مادی و معنوی به مردم است. در پاکستان این امکان وجود دارد که این کشور را مبدل به کشور رفاه بنماید لیکن علی رغم اینکه يك نظام اجرایی زکوت و عشر و غیره وجود دارد لیکن منزل هنوز هم به دور به نظر می رسد اقبال از ابلیس، راست شنیده بود که:

جاننا ہے، جس پہ روشن باطن ایام ہے      مزدکیت فتنه فردا نہیں، اسلام ہے

(همان، ارمغان حجاز، ۱۹۶۴: ۲۲۴م)

علامه اقبال وقتی حرف از تشکیل يك کشور اسلامی می زند متوجه تأسیس يك کشور رفاه هم است به عنوان مثال در نامه ای در تاریخ ۲۸ می ۱۹۳۷م به نام قاید اعظم می نویسد:

“خوشبختی است که حل مشکلات اقتصادی در اجرای شریعت اسلامی مضر می باشد که همراه آن آمده های نوین و درب راهکارهای ترقی و پیشرفت و توسعه باز شود بعد از مطالعه دقیق و عمیق شریعت اسلامی به این نتیجه رسیده ام که اگر فلسفه قوانین الهی را درست بفهمند و روی آن درست عمل بکنند روزی و حق هر فردی محفوظ می شود. مگر اینکه تا آن زمانیکه يك کشور آزاد اسلامی یا کشورهای آزاد اسلامی اینجا به وجود نیایند اجرای شریعت اسلام امکان پذیر نیست” ( شیخ عطاالله، اقبال نامه (مجموعه مکاتیب اقبال) ، ۳۸۱: بی تا)

قبل از این چند شعر از کتاب “پس چه باید کرد” نقل نموده ایم. در آن اشعار اجرای شریعت را در کشور اسلامی مداوای هر درد و مشکلات قرار می دهند زیرا غیر از وحی الهی هیچ گونه نظام زندگی دل سوز و غم خوار برای انسان ها نیست.

شیره تهذیب نو آدم دری است	پرده آدم دری سوداگری است
این به نوك فكر چالاک یهود	نور حق از سینه آدم ربود
تا ته و بالا نگردد این نظام	دانش و تهذیب و دین سودای خام
کس نگردد در جهان محتاج کس	نکته شرع مبین این است و بس
مکتب و ملا سخن ها ساختند	مومنان این نکته را نشناختند
زنده قومی بود از تاویل مرد	آتش او در ضمیر او فسرد

(همان، پس چه باید کرد، ۱۰۹-۱۹۹۹: ۱۰۱ م)

نزد علامہ اقبال (مصور پاکستان) منظور از کشور اسلامی آن است کہ در آن يك ملت متحد العقیدہ باشد و در آن کاملاً شریعت اسلامی بہ مرحلہ اجرای در بیاید و در آن کشور وجہہ اصلی و جنبہ معنوی دین اسلام منعکس شود۔ در کشور و ریاست اسلامی کہ برادری، اخوت و برابری متداول می گردد۔ مردم مزین از اخلاق اسلامی دیدہ می شود۔

در مردم اخلاق اسلامی رسوب می گردد۔ اختلاف بحث و نظرات در حد اعتدال قرار می گیرد۔ لیکن من حیث القوم از لحاظ فکر و عمل متحد و متفق می مانند۔

علامہ اقبال "اتحاد مسلمانان" را ضرورت و اقتضاء در توحید قرار می دهد۔

زندہ قوت تھی جہاں میں یہی توحید کبھی آج کیا ہے، فقط اک مسئلہ علم کلام  
 روشن اس صَو سے اگر نُظْمِتِ کردار نہ ہو خود مسلمان سے ہے پوشیدہ مسلمان کا مقام  
 میں نے اے میر بہہ! تیری بہہ دیکھی ہے قُلْ هُوَ اللہ، کی شمشیر سے خالی ہیں نیام  
 آہ! اس راز سے واقف ہے نہ مُلّا، نہ فقیہ وحدت افکار کی بے وحدتِ کردار ہے خام  
 قوم کیا چیز ہے، قوموں کی امامت کیا ہے اس کو کیا سمجھیں یہ بیچارے دو رکعت کے امام

(ہمان، ضرب کلیم، ۱۹۹۴: ۵۳۷م)

بحث تاسیس کشور اسلامی طولانی است و مباحث آن وسیع و مطالب لائحہ های انتخاباتی و امور انتظامی طویل و تفصیل طلب می باشد۔

## نتیجه گیری

علامه اقبال از بنیان گذاران ریاست است اما تصور اسلامی وی حتی در سطح بین المللی هم قابل توجه است. حکومت اسلامی از دیدگاه اقبال مظهر عظمت انسان است و عاری از دیکتاتوری و نظام پادشاهی است و پاک از نظام سرمایه داری و حامل برکات در ارض الله می باشد. اقبال در دوران زوال به مسلمانان تاکید و توصیه می کرد که به جای اجتهاد به اجماع پیروی نمایند. در حکومت اسلامی فعالیت های اجتهاد و اجماع ناگزیر است. اقبال تلاش های اجتهادی ترک ها را مورد ستایش قرار می دهد و در بعضی آثار اقبال او از ترک ها شدیداً انتقاد هم می کند. زیرا ترک ها سیاست سکولار و لادینیت اختیار نمودند و بیش از نو آوری مبتلا به تجدد پرستی شدند و دلدادۀ تقلید فرنگ شدند. اقبال می گوید که حامل "کتاب زنده" (قرآن) نمی تواند مقلد ملت دیگری قرار بگیرد. در قانون زندگی قرآن استعداد ها و فوقیت های تجدیدی جاودانی دارد.

## کتابشناسی منابع:

- اقبال، محمد، (۱۹۶۴م) ارمغان حجاز، چاپ هشتم، لاهور.
- اقبال، محمد، (بی تا) اسرار خودی، لاهور
- اقبال، محمد (۱۹۷۰م) جاوید نامه، چاپ سوّم، شیخ غلام علی ایند سنز، لاهور.
- اقبال، محمد، (۱۹۹۹م) پس چه باید کرد، مترجم خواجه حمید یزدانی، اقبال آکادمی لاهور.

- اقبال، محمد، (۱۹۴۰م) رموز بیخودی، لاهور.

- اقبال، محمد، (۱۹۹۴م) کلیات اقبال اردو، ضرب کلیم، اشاعت دوم اقبال آکادمی، لاهور

- اقبال، محمد، کلیات اقبال، به اهتمام احمد سروش، انتشارسنایی، تهران.

- سید نذیر نیازی، (۲۰۱۲م) تشکیل جدید الهیات اسلامی، بزم لاهور.

- شیخ عطاالله، (بی تا) اقبال نام (مجموعه مکاتیب اقبال)، شعبه معاشیات مسلم یونیورسٹی علی گڑھ